



**پیوست یک**

**برخی از مفاهیم برنامه‌ریزی**



### ◀ چشم‌انداز بلندمدت

چشم‌انداز، آمیزه‌ای از ارزش‌های داورهای مبتنی بر ایدئولوژی نظام، و واقعیتهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی جامعه است. با توجه به این که ایدئولوژیها و نگرشهای مختلف و متفاوت، آینده‌های متفاوتی را ترسیم می‌کنند، نخستین گام در پویش برنامه‌ریزی بلندمدت و آینده‌نگری، پذیرش چشم‌انداز واحدی است که، تصویر سازگاری از آینده ممکن و مطلوب را ترسیم نماید. به عبارت دیگر، هدف نهایی چشم‌انداز، معطوف به تبیین گزینشهای استراتژیک و جهت‌های اصلی تحولات ساختاری - نهادی و ارائه‌ی عرصه‌های انتخاب، برای تدوین برنامه‌های میان‌مدت در مسیر حرکت به طرف جامعه آرمانی است.

### ◀ هدفهای آرمانی

این هدفها که برگرفته از تصویر مطلوب چشم‌انداز بلندمدت کشور است، بیان انتظارات و مقاصدی دست‌یافتنی است که تحقق آن در گرو وفاق عمومی، اراده ملی و تلاش خستگی‌ناپذیر رهبران جامعه و آحاد مردم خواهد بود. هدفهای آرمانی باید از ویژگیهای زیر برخوردار باشند:

- جامع، تحول‌گرا، آینده‌نگر و پویا باشند.
- بیانگر خصوصیات و ویژگیهای اصلی جامعه آینده و ارزشها و آرمانهای نظام باشند.
- برخاسته از نیازهای اساسی جامعه، در تحقق چشم‌انداز باشند.
- توانایی ایجاد وفاق عمومی و انگیزه برای مشارکت ملی را داشته باشند.
- در یک دوره بلندمدت پایدار باشند.
- پاسخگوی مؤلفه‌های «قوت و فرصت» و «رافع نقاط ضعف و تهدیدات» باشند.

### ◀ محورهای اساسی چشم‌انداز

محورهای اساسی چشم‌انداز، مضامینی است که جهت‌گیری‌های عمده و خطوط اساسی تحول بلندمدت نظام را در عرصه‌های مختلف و در مسیر حرکت به طرف جامعه آرمانی مشخص می‌کند. این محورها (هدفهای بلندمدت)، که برگرفته از نتایج مطالعات چشم‌انداز بلندمدت است، در واقع چالشهای

پیش روی کشور است، که برای تحقق چشم‌انداز مطلوب آینده، تحقق این هدف‌های بلندمدت باید وجهه همت قرار داده شود.

#### ◀ سیاست‌های کلی نظام

به موجب اصل یکصد و دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران، از وظایف و اختیارات مقام معظم رهبری است. سیاست‌های کلی، راهبردهای عمده و کلانی است که از بین مسیرهای متعدد قابل دستیابی انتخاب می‌شوند، تا بتوان در بلندمدت به کمک آنها چشم‌انداز و اهداف مرتبط با آن را محقق ساخت. مقام معظم رهبری، شاخصه‌هایی را برای تعیین سیاست‌ها به شرح زیر قائل شده‌اند:

- کلی‌گویی نباشند.
- جهت‌دار، مشخص و شفاف باشند.
- قابل حمل به معانی مختلف نباشند.
- به تناسب نیازهای کشور باشند.
- نسبت به اقتضائات جهانی و داخلی انعطاف‌پذیر باشند.
- عناوین سیاست‌ها محدود باشند.

#### ◀ استراتژی (راهبرد)

چارچوبی است که مجموعه حرکات و اقدام‌های اصلی را برای دستیابی به اهداف ترسیم کرده، و نظام کلی اولویت‌گذاری را برای به دست آوردن موقعیتهای مطلوب و خنثی کردن تهدیدها، در حال و آینده بیان می‌دارد. تدوین استراتژی مستلزم برگزیدن جهت‌گیری کلی توسعه‌ای از میان چارچوب‌های جایگزین است و مبانی و معیارهایی را در اختیار مدیریت خواهد گذاشت که، توان اجرایی و امکان برخورد بهینه با تغییرات محیطی را فراهم می‌سازد.

## ◀ احکام برنامه

سیاستها و تدابیری است که همسو و سازگار با اهداف برنامه است و برای مشروعیت یافتن لازم است در مراجع تصمیم‌گیری (دولت و مجلس) مورد تصویب قرار گیرد. راهبرد (استراتژی) همان طور که، جهت‌گیری کلی و چارچوب تخصیص منابع یک برنامه را مشخص می‌کند، سیاستها، چارچوبها و خطوط راهنمای تصمیم‌گیری در انتخاب گزینه‌های مختلف اجرایی استراتژی را نیز، برای تحقق هدف فراهم می‌کند. سیاستها، به صورت مجموعه‌ای از معیارها و تدابیر قانونی، فنی، اجرایی، پولی و مالی هستند که اتخاذ آنها تمهیدات و تسهیلات لازم، جهت تحقق هدفهای برنامه را فراهم می‌سازد. مثلاً برای تشویق پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، که هدف رشد اقتصادی بالاتر را تعقیب می‌کند، سیاستهای پولی (سود بانکی و اعتبارات)، و سیاستهای معطوف به جلب سرمایه‌گذاری خارجی و یا توسعه و تعمیق بازار سرمایه داخلی و نظایر آن اتخاذ شود.

## ◀ پروگرامهای اجرایی

پروگرامهای اجرایی، مجموعه‌ای از فعالیتهای اصلی و تبعی و طرحها و پروژههای مشخص است که برای حذف یک مانع توسعه و یا برای ایجاد یک قطب توسعه طراحی می‌شوند. پروگرامها می‌توانند فرابخشی (کارآمد کردن دولت) یا بخشی (توسعه خدمات درمانی) باشند. در «برنامه‌ریزی هسته‌های خط‌دهنده» که تحت عنوان «Core Planning» در ادبیات توسعه مطرح شده است، هسته‌های خط‌دهنده و پروگرامهای اجرایی، کانونهای اصلی اقدام را در برنامه مشخص می‌سازند.

## ◀ هدفهای کلی

در برنامه‌ریزی توسعه، هدف عبارت است از غایت خواسته‌های جامعه اعم از اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که منبعث از نظام ارزشهای حاکم بر جامعه است و برنامه‌ها، برای دستیابی به آنها تدوین می‌شود. هدف، ممکن است کیفی و یا کمی باشد ولی دارای این ویژگی است که در پایان زمان برنامه می‌توان درجه نسبی تحقق آن را تعیین کرد.

هدفهای کلی برنامه که در چارچوب هدفهای آرمانی تعیین می‌گردند، ناظر به دوره زمانی برنامه است و باید طی برنامه حتی‌المقدور محقق شوند. هدفهای کلی برنامه را مدیریت عالی نظام مشخص کرده، و نظام برنامه‌ریزی با مرکزیت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ممکن است قبلاً برای تأمین سازگاری و تناسب اهداف، مورد مشورت مدیریت عالی نظام قرار گیرند.

هدفهای کلی برنامه، لازم است به گونه‌ای مشخص شوند که قابلیت کمی شدن در مراحل بعدی برنامه‌ریزی را داشته باشند.

### ◀ هدفهای کیفی برنامه

هدفهایی است که هر بخش در ارتباط با زمینه‌های مختلف فعالیت خود، به طور کیفی تنظیم می‌کند. این اهداف نظیر افزایش کارایی اقتصادی بخش، افزایش کیفیت محصولات یا خدمات بخش و ... است که بر اساس اهداف کلی برنامه توسعه و همچنین تحلیل عملکرد گذشته و موجود بخش، پیش‌بینی می‌شود. هدفهای کیفی برنامه، باید به نحوی تعیین شود که در پایان دوره برنامه، بتوان میزان نسبی تحقق اهداف را مشخص کرد.

### ◀ هدفهای کمی برنامه

هدفهای کمی بر اساس شاخصهای کمی، هدفگذاری و برای تحقق اهداف کیفی کلان و یا بخش تعیین می‌شوند و بر اساس آنها وضعیت مطلوب، به صورت مقداری یا ارزشی در طول دوره برنامه‌ریزی مشخص می‌گردد. در تعیین اهداف باید توجه کرد که این اهداف با توجه به تحلیل دقیق عملکرد گذشته از یک سو، و استراتژی کلی برنامه از سوی دیگر، تدوین می‌گردند. برای مثال هدفهای کمی برنامه عبارتند از: هفت درصد (۷٪) رشد تولید ناخالص داخلی، تنزل نرخ بیکاری به نه درصد (۹٪) در سال پایانی برنامه، کنترل تورم در حد ده درصد (۱۰٪) در طول برنامه و ...

#### ◀ جداول منابع و مصارف

استراتژیهای هر برنامه، چارچوب تخصیص منابع را مشخص خواهد کرد. در هر برنامه توسعه، لازم است تصویری از منابع و مصارف ارزی محتمل، شامل: میزان درآمدهای ارزی حاصل از صدور کالا و خدمات، هزینه‌های ارزی مرتبط با واردات کالا و خدمات و همچنین تراز ارزی ارائه شود. در زمینه منابع و مصارف ریالی در بخش دولتی نیز لازم است، تصویری از میزان درآمد دولت (بر حسب منشأ درآمد) و مخارج دولت (بر حسب مقصد هزینه) تنظیم و ارائه گردد. این اطلاعات، راهنمایی خواهد بود تا مدیران اجرایی کشور برای حصول به هدفهای برنامه‌ای بخش ذی‌ربط، برای تجهیز منابع غیر دولتی تدابیری بیاندیشند.

#### ◀ مدیریت امور توسعه

امور توسعه در کشور، ضرورتها و الزاماتی دارد که نمی‌توان انجام این امور را در همان تشکیلاتی به‌انجام رسانید که امور حاکمیت، امور باز توزیع درآمد و یا امور بنگاههای دولتی را مدیریت می‌کند. چارچوبهای حقوقی، سازمانی، تشکیلاتی، پرسنلی و مالی در امور توسعه، کاملاً متفاوت از سایر امور مدیریت کلان جامعه است، لذا باید تشکیلات متناسب برای این کار طراحی و به کار گرفته شود.